

شناختی بر شیطان‌پرستی

بخش اول

26 دی 1390

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

پیش از آغاز این پرونده، لازم به ذکر است که خواننده و شنونده‌ی این سلسله بحث‌ها - که نگاه و نقدی‌ست به دین و پدیده‌های مذهبی - خود بهتر می‌داند که ما در این مجموعه یادداشت‌ها، قصد تبلیغ و انتشار هیچ دین و اندیشه‌ای را نداریم و نیز، قصد اهانت و تخریب هم در میان نیست. بنابراین، تا آنجا که مقدور باشد، نظرات موافق و مخالف یک بحث را در کنار هم بررسی می‌کنیم، و یا تاریخچه و تعاریف مستند را به اختصار معرفی کرده و نتیجه‌گیری نهایی، به شما مخاطب فهیم واگذار می‌شود. و نیز، ارتباط متقابل، می‌تواند از طریق ذکر نقطه نظرات شما، به یک تبادل دو سویه در فضایی دوستانه و با حفظ احترام متقابل و نقد مستند و متین، شکل گیرد و بدل شود.

در این یادداشت، نگاهی می‌اندازیم به پدیده‌ی شیطان‌پرستی که مدتی‌ست در ایران به یک رویه در میان گروهی از جوان‌ها بدل شده‌است. اما پیش از آن باید نگاهی بیاندازیم به آیین باستانی شیطان‌پرستی که با تصور عمومی از این دین، بسیار تفاوت دارد. بنابراین، این یادداشت به آیین شیطان‌پرستی کهن می‌پردازد و در پرونده‌ی بعدی، نگاهی می‌اندازیم به پدیده‌ی شیطان‌پرستی به سبک و سیاق غربی آن و همچنین شیطان‌پرستی مدرن در ایران که در بین گروهی از جوان‌ها رواج یافته و بیشتر، گونه‌ای غربی‌ست تا باستانی.

در ایران، بسیاری از مردم، شیطان‌پرستی را یک فرقه‌ی نو ظهور می‌دانند، اما حقیقت امر این است که شیطان‌پرستی، یا اگر از واژه‌ای که پیروان آن می‌گویند، «دین ایزدی» (یا اِزدی) نام ببریم، به احتمالی ممکن است که پیش از ظهور اسلام بوده باشد و البته به باور پیروان این دین، به آغاز خلقت انسان - به روایت متن‌های مذهبی، و نه دستاوردهای علمی - باز می‌گردد. بعضی تاریخ‌نگاران نیز، کیش ایزدی (ایزدی) یا یزیدی را در شمار دیگر فرقه‌هایی طبقه‌بندی می‌کنند که پس از اسلام، به نیت احیای

سنت‌های پیشینیان و با انگیزه‌ی حفظ و بازیافت هویت تاریخی، در نقاط مختلف خاورمیانه زایش یافت و رشد کرد.

این دین، در طی سده‌ها، مورد هجوم ادیان ابراهیمی بود. بسیاری از پیروان این دین، توسط مسلمان‌ها و مسیحیان کشته شدند. حتا نام این دین هم در این میان، جان سالم به در نبرد. نام این دین به باور پیروان آن «دین ایزدی»ست که به احتمال زیاد، تحت تاثیر ادیان میترائیسم، زرتشتی و مانوی بوده و حتا تاثیراتی از دین اسلام هم به خود گرفته‌است. مسلمان‌ها به دلیل شباهت نام این دین که در زبان کردی «Êzîdî» تلفظ می‌شود با نام یزید به‌عنوان سمبلی از نیروهای اهریمنی و شیطانی، آن را «دین یزیدیان» هم می‌گویند که خود پیروان این دین، نه نام «شیطان‌پرست» بر خود می‌پذیرند و نه نام «یزیدیان» را. بعضی افراد، پیروان این دین را منسوب به معاویه هم می‌دانند.

پیروان این دین در کشورهای ترکیه، عراق، سوریه، ارمنستان، قفقاز و همچنین در بخش‌هایی از غرب ایران ساکن هستند. آمار معتبری از تعداد پیروان این دین در دست نیست. در یک آمار نیمه رسمی، تعداد پیروان این دین پانصد هزار نفر گفته شده‌است که نزدیک به دویست هزار نفرشان در عراق ساکن هستند. در هر حال، آمار پیروان این دین، مانند تاریخ حقیقی آن، هنوز در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.

از دید گروهی از مورخان ادیان، شیطان‌پرستی برجسبی است که پیروان ادیان جدیدتر، به کسانی که همچنان به ادیان قدیمی‌تر باور داشتند می‌زدند و خدایان آن‌ها را شیطان و منشا شر خطاب می‌کردند، همان‌گونه که مسیحیان اروپا در مورد اروپاییانی که به باورهای پیشین خود باقی‌مانده بودند چنین کردند و این، بهانه‌ای بود برای از میان برداشتن مخالفان.

در باور دین ایزدی، شیطان، دشمن اصلی بشریت نیست، بلکه مقرب‌ترین فرشته‌ی خداوند و نخستین آفریده‌ی اوست و «ملک‌طاووس» نام دارد؛ فرشته‌ای که خداوند تنها با این انگیزه به او فرمان داد به آدم سجده کند که او را بسنجد و هنگامی که او از سجده کردن سر باز زد، بر تقریش به درگاه الهی افزوده شد و خداوند، اداره‌ی جهان را به وی سپرد.

پیروان این دین، همچون مسلمان‌ها، روزانه پنج بار به شیوه‌ی خود نماز برپا می‌کنند، اما قبله‌شان در چهار بار از این نمازهای پنج‌گانه، خورشید، و در نیمروز، به سوی مقبره‌ی «شیخ عَدی» است، صوفی عرب قرن ششم هجری که به باور بعضی تاریخ‌نگاران، بنیان‌گذار کیش یزیدی‌ست.

همان‌گونه که ذکر شد، ریشه‌های این دین و باورهای پیروان آن، به دلایل گوناگون در پرده‌ای از ابهام بوده و هست. ترس پیروان این دین از کشته شدن و مورد آزار و اذیت قرار گرفتن از سوی مسلمان‌ها و مسیحیان، همواره آن‌ها را در حالتی از انزوا قرار داده‌است. به‌نظر می‌رسد که این دین از ادیان دیگر نیز وام گرفته، برای نمونه، پیروانش مانند زرتشتیان به آیین دوگرایی نیروهای طبیعی، مانند کلیمیان به

قربانی و نذورات، مانند مسیحیان به غسل تعمید و مراسم عشاى ربانى و مانند مسلمانان به سنت ختنه معتقدند. و نیز، اعتقاد به تناسخ و سیر تکاملی روح از طریق زایش‌های پی‌درپی و دمیده شدن در کالبد‌های پی‌پی، این دین را با مسلک‌های شرقی، پیوند می‌دهد.

ایزدی‌ها همواره جمعی بسته بوده‌اند. خود را قومی برگزیده می‌دانند، بیگانگان را به‌میان خود راه نمی‌دهند و اعتقادات خود را از دیگران مخفی نگه می‌دارند.

این دین دارای دو کتاب مقدس است: کتاب «جلوه» که در آن اصول اعتقادی آن‌ها تشریح شده و در کتاب دیگری به نام «کتاب سیاه»، مجموعه ادعیه و سرودهای آن‌ها در ستایش بزرگان‌شان ثبت شده‌است.

با وجود تمام فراز و نشیب‌های تاریخی این دین، هنوز هم پیروان این رویه‌ی مذهبی، به زندگی خود، گاه به شکل سنتی و گاه به سبک و سیاق مدرن، ادامه می‌دهند. گروهی در کشورهایی که پیش‌تر ذکر شد، هنوز هم مستقر هستند و با سنت‌های دیرین خود رفتار می‌کنند و گروهی نیز از جور و جفایی که دیگر ادیان به آن‌ها روا داشته‌اند، به هجرت تن دادند. گفته می‌شود در آلمان، سی‌هزار ایزدی زندگی می‌کنند که عمده‌ی آن‌ها از پناهندگان کرد عراقی و ترکیه‌ای هستند و بزرگ‌ترین جامعه‌ی یزیدی در خارج از قلمرو اجدادی‌شان را تشکیل می‌دهند.

گزارش‌های فوق که از منابعی نظیر بی‌بی‌سی، ویکی‌پدیا و چند پایگاه اینترنتی دیگر اتخاذ شده، نشان می‌دهد که جور و جفای پیروان دین اسلام و مسیحیت، نگذاشته است تا این دین، به حال طبیعی خود رشد کرده و آزادانه اعتقادهای خود را بیان کند. به‌همین دلیل، بسیاری از باورهای بنیادین این دین، به علت ترس و انزوای پیروان آن، در هاله‌ای از ابهام است. اما آنچه در این میان نمود می‌کند، این است که این مذهب قدیمی، با تصور بسیاری از مردم مبنی بر سیاه و زنده بودن آن، مغایرت دارد و بسیاری از افسانه‌ها و روایت‌هایی که پیرامون آن‌ها نقل می‌شود، بیش‌تر جنبه‌ی تخریبی و توهین دارد تا یک نقد بنیادین و مستند. هرچند که نمی‌توان نقدهای اصولی وارده بر این دین را نیز نادیده گرفت.
